

یادداشت

مصلحان را به خاک بسپارید



مجتبی پارسا

روزنامه‌نگار

«همه آن چه فرقیتم، باطل بود و همه آن چه یسار گرفتم، فراموش شدنی است. آن چه باید یاد می‌گرفتم، یاد نگرفتم و عمرمان را در راه آن چه نیاید یاد بگیریم، صرف کردیم.» (فخر رازی)

بشر همواره به فکر بهبود وضع جامعه و افراد انسانی آن بوده است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان متفکران را به فردگرا و جامعه‌گرا تقسیم کرد. متفکران فردگرا، بیش از هر چیز دغدغه نجات افراد را دارند و متفکران جامعه‌گرا، اهتمامشان عمدتاً معطوف به اصلاح جامعه است.

تفاوت مهم آنان در این است که فردگرایان اصلاح جامعه را با هدفی بلندپروازانه و غیرواقعیانه می‌دانند یا هدفی می‌انگارند که جز به وسیله و به واسطه نجات‌یافتگی و اصلاح تک‌تک افراد جامعه امکان حصول ندارد و در نتیجه بر آن می‌شوند که هر فردی باید در جهت اصلاح فرهنگ درونی خود یعنی باورها، احساسات و عواطف، خواسته‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌هایش بکوشد.

جامعه‌گرایان اما این تصحیح و بهبودبخشی فرهنگ درونی افراد را با هدفی غیرضروری می‌دانند یا هدفی می‌انگارند که جز به مدد اصلاح‌شدن نهادهای اجتماعی به ویژه نهادهای سیاست، اقتصاد و حقوق امکان‌پذیر نیست، بنابراین معتقدند اقتضای فعالیت عملی این است که به اصلاح نهادهای اجتماعی همت بکنیم.

اما ظاهراً تاریخ، سخن گروه اول (فردگرایان) را اثبات می‌کند. کم نبودند کشورهایی که پس از تغییر در ساختارهای سیاسی و تغییر نهادهای قوانین سیاسی و اجتماعی، اما تغییری در بهبود وضع مردمان‌شان ایجاد نشده است. خیلی راحت می‌توان به ۶ کشور عربی که در یک دهه اخیر شاهد انقلاب‌هایی موسوم به بهار عربی بودند، اشاره کرد. از سوی دیگر، مثال موفقیت‌آمیز اصلاح فرد فرد جامعه هم، مثال گاندی در هند است.

عارفان نیز بر همین نکته تأکید داشته‌اند. آنها می‌گفتند (و می‌گویند): «در افعال تان، هدف تان اصلاح فقط خودتان باشد. اگر موفق نشدید باز باید تلاش کنید. اما اگر موفق شدید یعنی خودتان سالک شدید همه کسانی که تحت تأثیر شما قرار می‌گیرند، اصلاح می‌شوند، بنابراین اصلاح دیگران نتیجه عمل شماسنت، نه هدف شما.» این دقیقاً مهم‌ترین اختلاف تفکر عارفان از همه مصلحان اجتماعی است. این خطای همه جامعه‌شناسان است که فکر می‌کنند

اگر بیرون همه چیز خوب شد، همه چیز خوب می‌شود. البته به این معنا نیست که نباید بی تغییر بیرونی باشیم، بلکه به این معناست که باید باور کنیم دگرگونی اساسی، دگرگونی است که نخست در درون رخ می‌دهد و بعد متناسب با آن دگرگونی‌هایی هم در بیرون رخ می‌دهد.

بنابراین چند نکته را به‌عنوان پیش‌فرض‌های نظری اصلاح جامعه باید در نظر گرفت:

- ۱- اصلاح جامعه نباید هدف باشد، بلکه هرکس باید اصلاح خود را هدف قرار بدهد؛ نتیجه آن اصلاح جامعه خواهد بود.
- ۲- امکان اصلاح جامعه وجود ندارد، مگر آن که تک‌تک افراد جامعه اصلاح شوند.
- ۳- اصلاح جامعه امکان‌پذیر نیست مگر آن که خود فرد اصلاح شود و اطرافیان او براساس تأثیری که آن فرد روی آنها می‌گذارد و با توجه به عملکرد او (نه سخنان و توصیه‌هایش) اصلاح می‌شوند.
- ۴- هیچ‌کس نمی‌تواند خود را اصلاح کند مگر آن که بیدرد عقاید، باورها و رفتارشان نیاز به اصلاح دارند یا دست‌کم ممکن است صحیح نباشند.
- ۵- هیچ‌کس نمی‌تواند خود را اصلاح کند مگر آن که فرصت، استعداد و نیرویی برای اصلاح باورها، احساسات و عواطف، خواسته‌ها، گفتارها، کردارها و وضع و حال اخلاقی خود داشته باشد و این انرژی و زمان را به اصلاحات درونی اختصاص دهد.

در هر اتفاقی، محل‌های امن را مشخص کنید (مثلاً زیر یک میز محکم یا کنار ستون‌ها یا دیوارهای مجاور آنها).

معاون اول رئیس جمهوری:

طرف‌های برجامی به تعهدات خود عمل کنند



معاون اول رئیس جمهوری

رهبر معظم انقلاب در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور بیان کردند:

بیان واقعیات امیدبخش در مقابل هجوم رسانه‌های بیگانه



عکس: leader.ir

دنیانشان داده‌اند و به دشمنان تحمیل کرده‌اند»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ریشنه یابی برخورد گستاخانه غربی‌ها از جمله اروپایی‌ها با ایران در مسائل جاری برجامی، به خصلت «تکبر» آنان اشاره کردند و گفتند: «خودبیز گیبینی موجب می‌شود غربی‌ها نتوانند حقایق را درک کنند، البته این تکبر در مقابل ملت‌ها و کشورهای ضعیف برای آنان موفقیت به همراه می‌آورد، اما در مقابل ملت‌هایی که نمی‌هراسند و از حق خود دفاع می‌کنند، غربی‌ها را دچار چار شکست می‌کند»

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به سخنان صریح وزیر امور خارجه درباره ۱۱ تعهد برجامی اروپایی‌ها در مقابل ایران و عمل نکردن آنها حتی به یک تعهد، گفتند: «وزیر امور خارجه که واقعا ضمت‌ها هم می‌کشند و ملاحظاتی دیپلماتیک هم دارد، به صراحت از عمل نکردن اروپایی‌ها

حتی به یکی از تعهداتشان سخن می‌گوید، ما به تعهدات خود در برجام و حتی بالاتر از آن عمل کرده‌ایم و حالا که به علت رفتار آنها شروع به کاهش اجرای تعهداتمان کرده‌ایم، اروپایی‌ها طلبکارانه و با پرویی می‌گویند چرا این کار را می‌کنید. شماروایی‌ها که هیچ‌یک از تعهدات خود را اجرا نکرده‌اند، به چه حقی از ما می‌خواهید که به تعهدات خود پایبند باشیم؟ بدانید که ما تازه کاهش تعهدات را شروع کرده‌ایم و این فرایند قطعاً ادامه خواهد یافت.» رهبر معظم انقلاب در مورد توقیف نفتکش ایرانی از سوی انگلیسی‌ها گفتند: «آنها که خبانشان برای همه آشکار است کشتی ما را با رهنزی دریا می‌برده‌اند، اما سعی می‌کنند به آن شکل قانونی بدهند. البته عناصر مؤمن در جمهوری اسلامی این کارها را بی‌جواب نمی‌گذارند و در فرصت و جای مناسب پاسخ خواهند داد.»

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری گفت: «کشورهای اروپایی به جای جلسه و فشار بر ایران که متعهد به برجام‌مانند، به آمریکا فشار بیابوند تا از تحریم‌های ظالمانه دست بردارد. بر گشت ما به تعهدات برجام کار خیلی ساده‌ای است، اگر اراده کنیم چند ساعت بعد همه تعهداتمان طبق برجام عمل خواهد شد، اما این کار منوط بر این است که طرف‌های برجامی به تعهدات خود عمل کنند. آمریکا فشار بیابود تا از تحریم‌های ظالمانه دست بردارد.»

می‌خواهیم قادر به تجارت با بقیه باشیم



محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان گفت: «ایران در برابر خصوصیت مقاومت می‌کند، اما تمایلی به رسیدن به آستانه تحمل نداریم و فقط به سادگی می‌خواهیم تجارت خودمان را انجام بدهیم، ما می‌خواهیم قادر به تجارت با بقیه دنیا باشیم، اگر آمریکا تمایل به تجارت با ایران دارد، ما از آن روی گردان نیستیم، ما قرار دادی با شرکت بویینگ داشتیم که با خرید ۸۸ هواپیمای بویینگ قادر به ایجاد ۱۰۰ هزار فرصت شغلی در آمریکا بود. ما از این موضوع و همچنین تجارت شرکت‌های آمریکایی در ایران استقبال می‌کنیم. موضع مادر گیر شدن در تقابل با دیگران نیست و تمایلی به این نداریم. اما اگر در موقعیتی قرار بگیریم که مجبور شویم از خودمان دفاع کنیم، حتماً این کار را خواهیم کرد.»

عطای معامله را به لقای آن می‌بخشند!



سید محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره اهمیت بررسی FATF گفت: «وضعیت اقتصادی کشور روز به روز

مشکل تر می‌شود و هم‌اکنون شعب خارجی بانک‌های ایران به صورت جدی تحت فشار هستند. لازم است عرض کنم تمدید تعلیق اخیر ایران از سوی FATF همراه با نظارت بیشتر بوده است که معاملات شرکت‌ها و کشورها را با ایران بسیار سخت‌تر می‌کند. وقتی گفته می‌شود نظارت‌های بیشتر یعنی به محض این که معامله‌ای انجام شود، منشأ پول، چگونگی انتقال و ... رصد می‌شود حتی ممکن است بعد قضائی پیدا کند، نتیجه این می‌شود که چون این محدودیت‌ها مشکلاتی را برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند، بنابراین عطای معامله با ایران را به لقای آن می‌بخشند.

نگاه

شهرز، بهروز، فیروز و فراز ریخته‌گران

محکومیت برادران ۱۶۰۰ میلیارد تومانی



خیلی‌ها با شنیدن نام چهار برادر مجرم، یاد چهار برادر دالتون کارتون لوک خوش شانس می‌افتند، تبهکارانی احمق که دایم گیر می‌افتادند، اما در عالم واقعیت گروه دالتون بانک غارت می‌کردند و کمتر گرفتار قانون می‌شدند، درست مثل این چهار برادر ایرانی. ما در این جا با گرت، باب، امت و ویلیام مواجه نیستیم، بلکه با شهرز، بهروز، فیروز و فراز مواجهیم. چهار برادر بافامیلی ریخته‌گران و نه دالتون! برادرانی که دیروز سسختگوی قوقضاییه از آنان نام برد. او گفت که «در حد فاصل دو نشست خبری‌اش، ۵۸ نفر در دادگاه‌های ویژه، محکومیت یافتند یا محکومیت‌های سابق‌الصدور آنها به قطعیت و مرحله اجرا رسیده است. شهرز ریخته‌گران، عضو هیأت‌مدیره شرکت به جهت اخلاخل در نظام اقتصادی به هفت سال حبس، فیروز ریخته‌گران به جرم مشارکت در اخلاخل عمده به ۱۰ سال حبس و بهروز ریخته‌گران متهم اصلی ریخته‌گران به جرم اخلاخل عمده در نظام اقتصادی و پولی و بانکی کشور به ۱۵ سال حبس محکوم شده است که البته دو محکومیت دوسال و سه‌سال هم دارد. همچنین ۸ هزار و ۵۹۶ میلیارد و ۸۵۲ میلیون و ۵۲۴ هزار و ۶۶۰ ریال جزای نقدی ورد مال برای ریخته‌گران صادر شده. فراز ریخته‌گران نیز به هفت‌سال حبس محکومیت یافته است. در پرونده ریخته‌گران مجموعاً ۴۱ متهم وجود داشت که دو نفر تبرئه و بالغ بر ۳۰ نفر محکوم شدند و برای چند نفر نیز شبکه فساد اقتصادی به اتهام اخلاخل در نظام اقتصادی در رسانه‌ها منتشر شد؛ پرونده‌ای که بعدها به پرونده

«برادران ریخته‌گران» معروف شد. در آن زمان گفته شد این خانواده بدون اهلیت و با خرید سهام پتروشیمی اصفهان و پتروشیمی بیستون اقدام به سوءاستفاده‌های گسترده در این زمینه کرده بودند.

در آن مقطع گفته شد دو نفر از برادران ریخته‌گران بازداشت شده‌اند. یکی از این دو برادر که در مرحله از کشور بازداشت شد، بخشی از طلا و جواهرات خود را در حجم حدود ۱۰ چمدان بزرگ مسافرتی که قیمت محتویات آن ده‌میلیارد تومان تخمین زده می‌شود، به کاو صدوقی در یک مکان از پیش خریداری شده منتقل کرده بود که این اموال ضبط و به بانک مرکزی تحویل داده شد.

آنان با روش‌های متقلبانه و با تشکیل شرکت‌های مختلف در خارج از کشور محصولات این دو شرکت پتروشیمی را به شرکت‌های خود فروخته و منابع حاصل از آن را در یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین یک کشور اروپایی به نام خود بوستگان‌شان سرمایه‌گذاری کردند. در نهایت اقدامات

این گروه منجر شد شرکت پتروشیمی اصفهان با بیش از یک‌هزار میلیارد تومان بدهی در خرداد ۹۲ به تعطیلی کشیده شود و این گروه ۲۰۰ میلیارد تومان نیز به پتروشیمی بیستون بدهکار شوند.

پرونده این گروه آبان‌ماه سال ۹۵ با کیفرخواستی با ۱۰ عنوان اتهامی برای ۴۵ متهم، روانه دادگاه انقلاب شد. میزان مال مورد رسیدگی نیز آن گونه که از سوی دادستان وقت تهران اعلام شد، یک‌هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان بود که ۸۰۰ میلیارد آن در همان زمان رسیدگی مسترد شده بود.

پس از آن در مرداد ماه ۹۷ عباس جعفری دولت‌بادی، دادستان وقت تهران اعلام کرد: «دو متهم اصلی پرونده به ۱۵ سال حبس و رد مال به میزان ۸۵۹ میلیارد تومان و ۲۶ میلیون یورو محکوم شده‌اند و جالب توجه این است که مبلغ فوق صرفاً فنی از رد مال است، چرا که نیمی دیگر در مرحله رسیدگی مسترد شده بود.»

در آن زمان جزئیات حکم متهمان اعلام نشد، اما ظاهراً بهروز ریخته‌گران در میان آنها قرار داشته است. حالا رسانه‌ها این سوال را مطرح می‌کنند که چرا او در زندان نبوده است و توانسته باز هم مرتکب فساد شود. البته دو روز پیش رسول قهرمانی، نماینده دادستان تهران به این سوال پاسخ گفته بود. نماینده دادستان تهران در پاسخ به این سوال که چرا به‌رغم قطعیت حکم دادگاه بهروز ریخته‌گران خارج از زندان بوده است، گفت: «حکم در دیوان عالی کشور قطعی شده بود، اما پرونده هنوز به اجرا نرسیده بود و در فرآیند اجرا قرار داشت.

یادداشت

این بار نوبت همراهی مردان

ادامه از صفحه اول | احلا و بانوشتن جسته و گریخته تعدادی از روزنامه‌نگاران درباره لزوم ارج گذاشتن به زنان ایرانی برای احترامشان به قانون حجاب، شاید دور از انصاف نباشد این خواسته یا تلنگر به مردان ایرانی که در کنار همه دغدغه‌های روزمره‌شان، از این‌ها بعد کمی عمیق‌تر و نکته‌سنجانه‌تر به حجاب زنان نگاه کنند و موقع بر زبان راندن سخنان همیشگی جنسیتی، کمی به خودشان سوزن بزنند که «هن دیگر باری به این زنان صورت اضافه نکنم.» نمونه خوب شروع این حرکت جمعی را شاید اصلاً باید در بین سخنان جدید یکی از بلندپایه‌ترین مسئولان خودمان جست‌وجو کنیم؛ نوبت دلنشین چندروز پیش سردار سلیمانی شاید جواب و البته انگیزه خوبی باشد برای این ماجرا: «هن اصلاً قبول ندارم که بین بچه حزب‌اللهی‌ها بگیریم این آدم با اون شکل و قیافت!... همان دختر کم‌حجاب، دختر منه، دختر ما و شماسنت، نه دختر خاص من و شما، اما جامعه ساست.» یاد «سیمون دوپوار»، فیلسوف و آگزیستانسیالی فمینیست فرانسوی به خیر که در آن سال‌های سخت و پرتابو، در کتاب مفصل درخشانی که نوشت، بحق و با ادله کافی ثابت کرد که تا مردان یک جامعه مردسالار، همچنان خودشان را «خود» بدانند و زنان را «دیگری»، جهان به جوامع برابر نخواهد رسید؛ موضوعی که پیش از او، بار همیشگی‌اش، «ژان بل سارتر» در توضیح مفاهیم معروف ابدایی‌اش، «هستی برای خود»، «هستی در خود» و «هستی برای دیگران» مطرح کرده بود و بعدها دوپوار آن را با جمع و بی‌ایراد، در ظرف دغدغه‌هایی برای زنان ریخته؛ حالا شاید بعد از همه تجربه‌های ناخوشایندی که جوامع نابرابر گذرانده‌اند، وقتش باشد که مردان، بازوان محکم مردسالاری، با حرف و نوشتار و ثابت هر چه در دست دارند، به این میدان بگذارند و ثابت کنند اگر به انسانیت باور دارند و دیگر نمی‌خواهند در شرایطی زندگی کنند که زنان ابره‌های جنسی‌اند، «خود»های چندین صدساله‌شان را کنار بگذارند و اگر کار بزرگتری از دست‌نشان برمی‌آید، زغال به آتش دل «دیگری»‌های خسته‌تر دیگر بودن بریزند.